



کتابخانه
تخصصی
ادبیات

پژوهشگر ارجمند

برخی از صفحات کتاب حاضر (شناسنامه، فهرست و تعداد کمی از صفحات آغازین کتاب) برای استفاده بهتر و آشنایی بیشتر شما با کتاب بارگذاری شده است.

بدیهی است به دلیل رعایت حقوق مولف و ناشر تمام صفحات کتاب در دسترس نخواهد بود.

کتابِ چای



فلسفه حضور چای در فرهنگ، تمدن و اجتماع شرقی



اوکا کورا کاکوزو
ترجمه اسدالله حقانی



کتابِ چای

کتابِ چای



فلسفه حضور چای در فرهنگ، تمدن و اجتماع شرقی

اوکا کورا کاکوزو
ترجمهٔ اسدالله حقانی

اوکاکورا، کاکوزو، ۱۸۶۳-۱۹۱۳ م.	Okakura, Kakuzo
کتاب چای: فلسفه حضور چای در فرهنگ، تمدن و اجتماع شرقی / کاکوزو اوکاکورا؛ ترجمه اسدالله حقانی - تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۸.	
شابک ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۵۲۵-۳	ISBN 978-600-405-525-3
عنوان اصلی:	The Book of Tea, 1906
ژانر - آداب و رسوم و زندگی اجتماعی	
چاپ	Japan - Social Life and Customs
حقانی، اسدالله، ۱۳۶۸ - مترجم.	Tea
GT ۲۹۱۰	شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۵۵۲۷۶
	۳۹۴/۱۵



دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۵۰ / طبقه چهارم
فروشگاه شماره یک: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۴۸
فروشگاه شماره دو: اتوبان شهید همت / مجتمع ایران مال / طبقه G3 / شماره ۱۸۳
توزیع: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۵۰ / طبقه همکف
تلفن گویا: ۷-۸۸۳۲۵۳۷۶ - ۸۸۳۰۲۴۳۷ - ۸۸۳۱۰۵۰۰ - ۸۸۳۱۰۷۰۰ - ۸۸۸۶۱۶۶۶

• سایت اینترنتی: www.salesspublication.com

• پست الکترونیکی: salesspub@gmail.com - info@salesspublication.com

■ کتاب چای؛ فلسفه حضور چای در فرهنگ، تمدن و اجتماع شرقی

• کاکوزو اوکاکورا • ترجمه اسدالله حقانی • ناشر: نشر ثالث

• مجموعه فرهنگ عامه و اسطوره

• چاپ اول: ۱۳۹۹ / ۷۷۰ نسخه

• لیتوگرافی و چاپ: نشر ثالث • صحافی: نوری

• کلیه حقوق محفوظ و متعلق به نشر ثالث است.

ISBN 978-600-405-525-3

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۵۲۵-۳

فهرست

۱. یک پیاله آدمیت ۷
۲. مکاتب چای ۲۱
۳. مکاتب تائو و ذن ۳۳
۴. اتاق چای ۴۹
۵. درک هنر ۶۵
۶. گل ها ۷۵
۷. اساتید چای ۹۱

۱. یک پیاله آدمیت

چای در لباس دارو و با خصوصیات متعدد سلامت بخشی قدم به دنیای انسان ها گذاشت و کم کم به یک نوشیدنی محبوب بدل شد. در چین قرن هشتم، چای به عنوان یک سرگرمی متشخصانه به عرصه شعر وارد شد. در قرن پانزدهم شاهد آن بودیم که ژاپن چای را به مرتبه یک کیش زیبایی پرستی - یا همان «چای گرایی»^۱ - رساند. مبنای فرقه چای گرایی بر ستایش زیبایی هایی است که از حقایق فرومایه زندگی روزمره بیرون کشیده می شوند. از خصیصه های این کیش می توان خلوص و توازن، خوش قلبی متقابل و آرمانی سازی نظم اجتماعی را برشمرد. چای گرایی اساساً ستایش ناکامل هاست، زیرا در واقع تلاشی است سنجیده برای دستیابی به چیزی ممکن، در این متاع ناممکن که آن را با نام زندگی می شناسیم.

فلسفه چای صرفاً به برداشت معمول ما از عبارت «زیبایی پرستی» ختم نمی شود، زیرا علاوه بر اخلاق و مذهب، دیدگاه کامل ما نسبت به انسان و طبیعت را ابراز می کند. فلسفه چای علم بهداشت است، چون بر

تمیزی اصرار می‌ورزد؛ علم اقتصاد است، چون راحتی را در سادگی می‌بیند، نه در پیچیدگی و گرانبهائی؛ علم اخلاق است، چون به تعریف حس تناسب ما با گیتی می‌پردازد. فلسفه چای بازنماینده روح حقیقی دموکراسی شرقی است، زیرا سلیقه همه هواخواهانش را - فارغ از جایگاه اجتماعی‌شان - به سلیقه نجیب‌زادگان نزدیک می‌کند.

انزوای مدید ژاپن از سایر ملل دنیا - که ما را به درون‌کاوی عمیقی سوق داد - برای رشد و توسعه چای‌گرایی بسیار مطلوب بوده است. خانه و زندگی ما، لباس پوشیدن و آشپزی ما، سفالگری، جلاکاری، نقاشی و حتی همین ادبیات ما همه و همه تحت تأثیر چای‌گرایی بوده‌اند. نمی‌توان یک هوادار فرهنگ ژاپنی را یافت که از حضورش غافل باشد. چای‌گرایی هم به ظرافت خلوتگاه‌های زنان اشرافی نفوذ کرده و هم به کلبه حقیرانه درویشان قدم گذاشته است. در نتیجه آموزه‌های این فرقه، دهاتی‌های ما هنر گل‌آرایی را آموخته‌اند و دون‌پایه‌ترین کارگران ما قدر انواع و اقسام سنگ‌ها و آب‌ها را دانسته‌اند. در گفتگوهای روزمره‌مان وقتی کسی از جذابیت‌های سریوکامیک^۱ یک درامای شخصی سر ذوق نمی‌آید، او را فردی «بی‌چای» می‌نامیم. برعکس، آن زیباپرست رام‌ناشدنی را که فارغ از تراژدی‌های میرای دنیوی در دریای احساسات آزادانه‌اش آشوب به‌پا می‌کند فردی «پُرچای» می‌خوانیم.

این‌ها شاید در نظر کسی که از بیرون به جامعه ژاپنی می‌نگرد هیاهوی بسیار بر سر هیچ باشد. حتماً با خودش می‌گوید: چه طوفانی در یک پیاله چای به پا کرده‌اند! اما وقتی می‌بینیم ظرف لذت‌جویی انسانی چقدر کوچک است - چقدر زود از اشک لبریز می‌شود و چقدر آسان برای ارضای عطش سیری‌ناپذیرش به ابدیت ته می‌کشد - نباید هم

۱. Seriocomic: نیمه‌جدی و نیمه‌خنده‌دار.

خودمان را به خاطر پر و بال دادن به یک پیاله چای سرزنش کنیم. اما پیش از این‌ها بشر مرتکب گناهان بدتری هم شده است. در پرستش باکوس^۱ ما خیلی خودسرانه دستانمان را به خون قربانی آلوده‌ایم و حتی رخ خونین مارس را دیگرگون ساخته‌ایم.^۲ چرا خودمان را وقف ملکه کاملیا^۳ نکنیم و در نهر گرم عطوفتی که از قربانگاهش روان است^۴، دمی به عیش نگذرانیم؟ در این عنبر مایعی که درون پیاله‌های سفالین عاجی‌رنگ خوش می‌نماید، شاید بتوانیم کم‌گویی شیرین کنفوسیوس^۵، تندوتیزی لائوتسه^۶ و عطر جاودانه بودا^۷ را لمس کنیم.

۱. Bacchus: رب النوع شراب و باده در افسانه‌های روم (یونانیان به آن دیونیسوس Dionysus می‌گفتند). این کلمه معنای خود شراب را هم تداعی می‌کند و این‌جا منظور از خون همان شراب است و قربانی خود انسان.

۲. Mars: در اساطیر ابتدا خدای باروری، حاصلخیزی و... بود، اما در سده دوم پیش از میلاد، برخی محافظه‌کارها به مردم توصیه کردند که باید قربانی‌هایی را پیشکش این خدا کنند تا از محصولات و گله‌هایشان محافظت کند و این قربانی‌ها را هر سال تکرار کنند. آن‌ها مارس را خدای محافظ خود در برابر «تهاجم» آفات و بیماری‌های گیاهان می‌دانستند، اما وقتی فنون جنگاوری آموختند و از خرقه کشاورزی بیرون جستند، مارس هم به خدای جنگ و محافظت از آن‌ها در برابر دشمنان انسانی بدل شد.

۳. معمولا از گل‌ها و بوته‌های این گیاه، که در ژاپنی آن را سویاکی (tsubaki) می‌نامند، چای درست می‌کنند، اما این گل به خاطر زیبایی‌اش به چای زینتی هم معروف است.

۴. اشاره به دمنوش یا چای که برخلاف خدایان و الهه‌های پیشین، خبری از خون‌ریزی و قربانی کردن در آن نیست.

۵. Confucius (۴۷۹-۵۵۱ پیش از میلاد): مشهورترین فیلسوف، نظریه‌پرداز سیاسی و معلم در چین باستان است.

۶. Laozi یا Laitse (۶۰۱-۵۳۱ پیش از میلاد): با نام اصلی «لی اره» معروف به «استاد کهن» یا «استاد پیر» بوده است. تا آن‌جایی که مدارک تاریخی نشان می‌دهد، او به احتمال زیاد اولین فیلسوف مشهور چینی در زمان سلسله چو است.

۷. Shakyamuni Gautama Buddha (۵۶۳-۴۸۳ پیش از میلاد): شخصیت محوری در آیین بودایی است. به باور بوداییان، او آموزگاری بیدار شده بود که به کمال بودا رسیده بود و بصیرت خود را در اختیار دیگران گذاشت تا تولد و زجر کشیدن در موجودات دارای حس پایان بگیرد.

آن‌ها که نمی‌توانند حقارت چیزهای بزرگ درون خودشان را احساس کنند هیچ بعید نیست نتوانند عظمت چیزهای کوچک را در دیگران درک کنند. یک انسان غربی نوعی با آن غرور پرزرق‌وبرقش که در نظر خودش عظمتی شگرف دارد مراسم چای را صرفاً یکی از هزارویک مصداق چیزهای عجیب‌وغریبی می‌بیند که شگفتی و کودکانگی شرق را برایش می‌سازند و در نظر او اعمالی حقیر و بی‌اهمیتند. چنین انسانی عادت کرده بود ژاپن را ملتی بربر بداند؛ آن هم در حالی که ژاپن غرق در هنر نجیبانه صلح بود، اما از زمانی که ژاپن شروع به قتل‌عام در میادین نبرد منجوری کرد^۱، آن را متمدن می‌خواند. اخیراً در بارهٔ طریقت سامورایی‌ها و هنر مرگ که سربازان ما را در قربانی کردن نفس به وجد می‌آورد نیز نظرات زیادی ارائه شده است، اما به ندرت پیش آمده که به چای‌گرایی — که بازنمایی بخش اعظم هنر زندگی است — توجهی شده باشد. اگر ادعای تمدن‌مان صرفاً بر پایهٔ شکوه مخوف و هولناک جنگ باشد، به ناچار همچنان بربر باقی خواهیم ماند و فقط به انتظار زمانی خواهیم نشست که احترام درخوری به هنر و آرمان‌هایمان ادا شود.

چه زمانی غرب شرق را خواهد فهمید یا دست‌کم سعی خواهد کرد این سرزمین را بفهمد؟ ما آسیایی‌ها اغلب از این بافتهٔ شگرف حقایق و خیالاتی که در بارهٔ ما در هم تنیده شده است به وحشت می‌افتیم. تصور همه این است که ما به عطر نیلوفر آبی زنده‌ایم و اگر آن نبود، از موش و سوسک تغذیه می‌کنیم. تمام این‌ها یا خیالبافی‌های کاهلانه‌اند، یا

۱. شاید اشاره به نبرد ژاپن و روسیه و چند کشور دیگر بر سر منابع موجود در منجوری باشد که بین ۱۸۸۰ تا ۱۹۰۰ رخ داد. شاید هم نبرد روسیه و ژاپن بین سال‌های ۱۹۰۴ تا ۱۹۰۵ که صدها هزار کشته داد. البته احتمال مورد اول قوی‌تر است، چون این کتاب چندین سال پیش از انتشار رسمی — سال ۱۹۰۷ — نوشته شده بوده است.

عیاشی‌های مفلسانه. روحانیان هندی را به بهانه جهالت تمسخر کرده‌اند، متانت چینی را حماقت خوانده‌اند، و میهن‌پرستی ژاپنی را نتیجه تقدیرگرایی دانسته‌اند. می‌گویند ما شرقی‌ها، به خاطر کمرختی سازمان عصبی‌مان، حساسیت کم‌تری نسبت به درد و زخم‌ها داریم!

اصلاً چرا نباید خودتان را با پرچانگی در باره ما سرگرم کنید؟ آسیا هم برایتان تلافی می‌کند! اگر تمام تصورات و نوشته‌های ما در باره خودتان را می‌دانستید، خوراک بیش‌تری برای این بساط شادی‌تان فراهم می‌شد. در این تصورات و نوشته‌ها می‌توانید تمام افسون این دیدگاه عجیب، تمام احترام ناخودآگاهی که برای شگفتی‌ها قائلیم و تمام خشم فروخورده‌ای که نسبت به چیزهای بدیع و تعریف‌نشده داریم را پیدا کنید. پرهیزگاری‌هایی چنان پالوده بر سرتان خروار کرده‌ایم که نمی‌توانید بدان حسودی بورزید و به جرایمی چنان بدیع متهمتان کرده‌ایم که نمی‌توانید از زیر بار محکومیت بگریزید. نویسنده‌های ما در گذشته — مردانی خردمند و آگاه — به اطلاعاتمان رسانده‌اند که شما چطور دُم‌های پرموی خود را جایی در زیر لباس‌تان پنهان می‌کنید و اغلب با نوزادان تازه‌متولدشده برای شامتان قرمه درست می‌کنید! نه، ما چیزهای بدتری علیه شما داشته‌ایم: قبلاً تصور می‌کردیم شما بی‌خاصیت‌ترین مردمان روی زمین هستید، چون می‌گویند شما همیشه از کارهایی سخن می‌رانید که هرگز انجامشان نداده‌اید.

چنین برداشت‌های اشتباهی به سرعت در میان ما رنگ می‌بازند و ناپدید می‌شوند. مبادله و تجارت، زبان‌های اروپایی را به بسیاری از بنادر شرقی تحمیل کرده است. جوانان آسیایی، برای فراگیری تحصیلات مدرن، فوج فوج به کالج‌های غربی می‌پیوندند. بصیرت ما نمی‌تواند به عمق فرهنگ شما نفوذ کند، اما دست‌کم ما به یادگیری از شما تمایل

نشان می‌دهیم. برخی از هم‌وطنان من بیش از حد جذب رسوم و آداب شما شده‌اند. به خیالشان داشتن یقه‌های شق و کلاه‌های ابریشمی دراز^۱ برای کسب تمدن شما کفایت می‌کند. این متظاهران رقت‌انگیز و مایه دلسوزی از تمایل ما برای چهار دست‌وپا نزدیک شدن به غرب استقبال می‌کنند. متأسفانه نگرش غربی تمایلی به درک شرق ندارد. مبلغ مسیحی صرفاً برای ابلاغ کردن به شرق می‌رود، نه برای دریافت کردن. اطلاعات شما یا بر اساس ترجمه‌های ضعیف از ادبیات وسیع ماست، یا برداشتی است از قصه‌های غیرقابل اعتماد مسافران گذری. به ندرت پیش می‌آید که قلم جوانمردانه لافکادیو هرن^۲ یا نویسنده کتاب شبکه زندگی هندی^۳ با مشعل احساسات و عواطف خودمان تاریکی خاوری را روشنی ببخشد.

شاید با این حجم از رک‌گویی به جهالت خودم نسبت به کیش چای خیانت می‌کنم. همین روحیه نزاکت‌محورش از فرد می‌خواهد همان چیزی را بر زبان براند که از او انتظار می‌رود؛ نه کم‌تر و نه بیش‌تر. ولی من نمی‌خواهم یک چای‌گرای مؤدب باشم. تا همین‌جای کار هم آن‌قدر از سوء تفاهم متقابل بر جدید و بر قدیم زخم خورده‌ایم که نیازی نیست برای ادا نکردن عشره سهممان در پیشبرد یک درک بهتر پوزش بخواهیم. اگر روسیه تواضع به خرج می‌داد و ژاپن را بهتر می‌شناخت، آغاز قرن بیستم شاهد منظره جنگ‌های خونین نمی‌بود.^۴ همین نادیده‌گرفتن مشکلات

1. Top Hat

۲. Lafcadio Hearn (۱۸۵۰-۱۹۰۴): همچنین با نام ژاپنی کویزومی یا کومو نیز شناخته می‌شود، نویسنده‌ای بین‌المللی است که بهترین اثرش را در باره ژاپن نوشته است. مجموعه آثار او در باره داستان‌های ارواح و افسانه‌های ژاپنی جزء بهترین‌ها به شمار می‌آید.

۳. منظور خواهر نیودیتا (sister Nivedita) یا مارگارت الیزابت نابل (۱۸۶۷-۱۹۱۱)، نویسنده و فعال اجتماعی ایرلندی است.

۴. در این‌جا هم دوباره به جنگ بین روسیه و ژاپن اشاره می‌شود، اما با احتمال بیش‌تری می‌توان گفت منظور جنگ سال‌های ۱۹۰۴ تا ۱۹۰۵ است.

شرقی، چه عواقب شومی که برای بشریت در پی نداشت! امپریالسم اروپایی، که هیچ ابایی ندارد فریاد پوچ خطر نژاد زرد^۱ را از اعماق گلو برآورد، نمی‌تواند بفهمد که آسیا هم ممکن است با معنای وحشیانه فاجعه سفیدپوست‌ها به پا خیزد. شاید به ما بخندید که چنین «پُرچای» هستیم، اما آیا ما نباید شک کنیم که شما غربی‌ها فطرتی کاملاً «بی‌چای» دارید؟

بیاید دیگر نگذاریم این قاره‌ها سخن‌نشین‌دار نثار هم کنند و از بازی دوسربرد یک نصف نیم‌کره^۲ درس عبرت بگیریم. درست است که ما مسیرهای توسعه متفاوتی را پشت سر گذاشته‌ایم، اما دلیلی هم ندارد که یکی از ما نتواند مکمل دیگری باشد. شما از استراحت و فراغت‌تان زده‌اید تا رشد کنید. ما هم توازنی خلق کرده‌ایم که در برابر تجاوز ضعف نشان می‌دهد. باورتان می‌شود؟ شرق در برخی جنبه‌ها از غرب بهتر است.

عجیب است، اما تا به این‌جای کار آدمیت در پیاله چای به هم رسیده است. این تنها مراسم آسیایی است که به شهرت جهانی دست پیدا کرده. سفیدپوست‌ها مذهب و اخلاقیات ما را به استهزا گرفته‌اند، اما آن نوشیدنی قهوه‌ای‌رنگ را بی‌درنگ پذیرفته‌اند. چای بعدازظهر حالا کاربرد مهمی در جامعه غربی دارد. در هیاهوی ظریف به هم خوردن سینی‌ها و نعلبکی‌ها، در خشاخش لطیف میهمان‌نوازی زنانه، در پرسش‌های رایج در باره شیر و شکر، ما بی‌شک مطمئنیم که ستایش چای جای پایش را در فرهنگ شما سفت کرده است. تسلیم شدن فلسفی میهمان به سرنوشتی که در آن جوشانده مشکوک در انتظارش است، اعلام می‌کند که در همین یگانه مصداق، روحیه خاوری با برتری حکمرانی می‌کند.

۱. Yellow Peril: یک استعاره نژادپرستانه است که اشاره می‌کند مردمان آسیای شرقی برای دنیای غرب خطر سازند.

۲. غرب.

می‌گویند قدیمی‌ترین پیشینه چای در نوشته‌های اروپایی، در اظهارات مسافر عربی پیدا شده که نوشته است بعد از ۸۷۹، منابع اصلی درآمد در کانتون^۱، معاملات نمک و چای بوده است. گواهی یک وزیر مالیه چینی برای تشدید خودسرانه مالیات چای هم در سال ۱۲۸۵ به قلم مارکوپولو به ثبت رسیده است. در دوره اکتشافات بزرگ^۲ بود که مردمان اروپایی بیش از پیش با خاور دور آشنا شدند. در اواخر قرن شانزدهم، هلندی‌ها خبر آوردند که شرقی‌ها از برگ‌های یک بوته، نوشیدنی دلپذیری مهیا می‌کنند. سیاحانی مانند جووانی باتیستا راموسیو^۳ (۱۵۵۹)، ال. آلمیدا^۴ (۱۵۷۶)، مافنو^۵ (۱۵۸۸) و تاریرا^۶ (۱۶۱۰) هم به چای اشاراتی کرده‌اند. در این سال آخری که ذکر شد (۱۶۱۰) کشتی‌هایی از کمپانی هند شرقی هلند^۷ (شرکت متحد هند شرقی) برای اولین بار چای را به اروپا آوردند. چای در ۱۶۳۶ در فرانسه شناخته شد و در ۱۶۳۸ به روسیه رسید. انگلستان در ۱۶۵۰ از چای استقبال کرد و حال آن را این‌گونه می‌خواند: «همان نوشیدنی چینی عالی که همه پزشکان تأییدش کرده‌اند، چینی‌ها آن را چا و ملل دیگر تای یا تی^۱ می‌نامند.»

۱. Canton یا گوانگ‌دونگ، یکی از استان‌های جنوب شرقی چین.

۲. یا عصر کاوش؛ به دوره‌ای از تاریخ گفته می‌شود که از قرن پانزدهم آغاز و تا قرن هفدهم ادامه پیدا می‌کند و طی آن اروپاییان از راه اقیانوس‌ها به منظور جستجوی کالاها یا شرکای تجاری، سرزمین‌های جهان را جستجو و کشف می‌کردند.

۳. Giovanni Batista Ramusio: جغرافیدان و سفرنامه‌نویس ایتالیایی.

۴. L. Almeida: کاشف و سیاح پرتغالی.

5. Maffeno

6. Tareira

۷. یا شرکت متحد هند شرقی، یک شرکت بازرگانی است که توسط هلند و در سال ۱۶۰۳ ایجاد شده است. این شرکت نزدیک به دو قرن یکی از ارکان قدرت سرمایه‌داری و امپریالیسم هلند تا سال ۱۷۹۹ بود. این شرکت یکی از قدرتمندترین شرکت‌های سرمایه‌داری تاریخ بوده است و یکی از تأثیرگذارترین شرکت‌های اروپایی در قرن هفدهم به شمار می‌رود که به بهره‌برداری از ثروت آسیا دست زد.